

تا مرز جاودانگی

● محمدحسین دیزجی

گفت‌وگو با سید فرداد تناوش، دانش‌آموزی در نقش معلم ریاضی

راهنمایی آقای جوادی، معاون مدرسه که خودشان مشاور خوبی برای همه ما هستند، در زنگ‌های تفریح در کلاس می‌ماندم و به دوستم در این مباحث کمک می‌کردم. در این مدت، علاوه بر تدریس و آموزش، سعی می‌کردم دوستم را تشویق کنم که از توانایی لازم برخوردار است و می‌تواند همه مباحث را به‌خوبی فرا بگیرد و رشد کند. خوش‌بختانه همین‌طور هم شد و ایشان در درس پیشرفت خوبی کرد.

■ کسی که صمیمانه و بی‌دریغ امروز به هم کلاسی‌اش کمک می‌کند تا بتواند موفق باشد، حتماً این خصلت را از کودکی داشته است. آیا در دوران دبستان هم...؟

● در دبستان هم به هم کلاسی‌هایم در درس‌ها کمک می‌کردم. مثلاً در کلاس سوم به یکی از دوستان در درس ریاضی کمک و او را تشویق می‌کردم. در کلاس ششم هم به چند نفر از هم‌کلاسی‌هایم زبان درس می‌دادم و یا یکی از دوستانم در مواقعی که به مشکلی برمی‌خورد، به من زنگ می‌زد و از من راهنمایی می‌خواست. من از اینکه به دیگران کمک کنم لذت می‌برم.

■ هم‌کلاسی شما بیشتر در چه مباحثی به کمک و راهنمایی نیاز داشت؟

● من به دوستم تا قبل از کرونا هر درسی را که یاد می‌گرفتی‌م، درس می‌دادم. ولی دوستم در زمینه محاسبات و جبر ضعیف‌تر بود و به تمرین فراوان نیاز

■ به نظر شما ریاضی در زندگی ما چه نقشی و چه جایگاهی دارد؟

● به نظر من ریاضیات جایگاه ویژه‌ای در زندگی ما دارد. مثلاً در امور روزمره یا در ساخت وسایل ما نیازمند محاسبات دقیق و انواع اندازه‌گیری‌ها هستیم؛ از ساخت کمد، کابینت و خودرو گرفته تا ساخت دستگاه‌های پیچیده‌ای که به برنامه‌نویسی رایانه‌ای نیاز دارند. پایه برنامه‌نویسی ریاضیات است.



■ شنیده‌ایم که شما به یکی از دوستان هم‌کلاسی خودتان در آموزش برخی درس‌ها از جمله ریاضی کمک می‌کنید. در این مورد برای ما بیشتر بگویید و اینکه چطور شد به آموزش دوست خودتان پرداختید؟

● یکی از دوستانم در چند درس به کمک و راهنمایی نیاز داشت. من هم احساس کردم در آن موضوع‌ها اطلاعات لازم را دارم. بنابراین با هماهنگی و

مثبت‌نگر، صبور، باحوصله، خوش‌اخلاق و دارای پشتکار زیاد است. به‌محض آنکه متوجه شد یکی از دوستان هم‌کلاسی‌اش در چند درس از جمله ریاضی به کمک و همراهی نیاز دارد، به معاون مدرسه پیشنهاد کرد: «من حاضرم یار و همراهش باشم و به او کمک کنم تا در درس پیشرفت کند و پایه‌پای کلاس پیش بیاید.»

دوستش مشکلات و دغدغه‌هایی داشت، اما او تنها دغدغه‌اش گره‌گشایی بود. آن‌قدر در طول سال وقت گذاشت تا سرانجام ...

وقتی این حرف‌ها را نظام‌الله جوادی، معاون باتجربه «دبیرستان دکتر حسابی» منطقه ۶ تهران با ما در میان گذاشت، مصمم به گفت‌وگو با سید فرداد تناوش دانش‌آموز پایه نهم این مدرسه شدیم. او می‌توانست چشم به روی مشکل دوستش در درس ریاضی و چند درس دیگر ببندد، اما مسیری را برگزید که انتخاب بسیاری از شماست. پدرش استاد دانشگاه و مادرش داروساز است.

■ نظر شما در مورد درس ریاضی به‌طور کلی چیست و چقدر به ریاضی علاقه دارید؟

● به نظر من ریاضی علمی است که می‌توان با آن جهان را توصیف کرد. البته علم هنوز آنقدر پیشرفت نکرده است که ما بتوانیم تمام اجسام اطرافمان را با ریاضیات اثبات کنیم. همچنین ریاضیات مادر علوم است و پایه سایر علوم نیز هست. من به‌شخصه به ریاضیات علاقه زیادی دارم و همیشه از حل کردن مسئله‌های جدید لذت می‌برم.

هم طرف مقابل به دانشش اضافه شده است. اگر هنوز هم بتوانم به دوستانم و هم کلاسی‌هایم کمک کنم، خیلی خوش حال می‌شوم. از اینکه بتوانم فردی مفید باشم و کمکی کرده باشم، لذت می‌برم.

برخورد مسئولان مدرسه به‌ویژه آقای جوادی با این کار شما چطور بود؟ منظورم آموزش دادن به دوستان است. آیا آنان شما را تشویق می‌کردند؟ کمی توضیح بدهید.

● آقای جوادی همواره مرا تشویق می‌کردند. همیشه هم در این زمینه به من و دوستم کمک می‌کردند و امکانات در اختیار ما می‌گذاشتند؛ امکاناتی مثل کلاس، تخته، رایانه و ... تشویق‌های آقای جوادی باعث شدند من این کار را انجام دهم. ایشان هم به من و هم به دوستم روحیه می‌دادند و همیشه پیگیر این موضوع بودند که چقدر دوست من پیشرفت کرده است.

به‌عنوان سؤال پایانی بفرمایید این همکاری با دوستان را کجا انجام می‌دادید: منزل خودش، منزل خودتان، یا محیط مدرسه؟ همچنین اگر دوستان بعد از آموزش شما باز هم سؤال‌هایی داشت و مطلب را به‌درستی متوجه نشده بود، رفتار و عکس‌العمل شما چگونه بود؟

● این کار در محیط مدرسه و با هماهنگی آقای جوادی انجام می‌شد. اگر دوستم سؤال‌اتی داشت، سعی می‌کردم جواب او را بدهم. اگر هم نمی‌توانستم، او را به دبیر ریاضی ارجاع می‌دادم و یا خودم در مورد آن سؤال تحقیق می‌کردم و سپس جواب او را می‌دادم. همیشه سعی می‌کردم با صبر و آرامش جواب او را بدهم. در ضمن، سؤال کردن او مرا خوش حال می‌کرد، زیرا نشان از آن داشت که ذهن او درگیر آن مطلب است و در مورد آن فکر می‌کند. همیشه مطلب را آن‌قدر تکرار می‌کردم تا آن مبحث را یاد بگیرد و دیگر دچار مشکل نشود.

برایتان سربلندی و موفقیت روزافزون آرزو داریم.



موضوع باعث شد که دوست من روحیه بگیرد و برای پیشرفت کردن در درس تلاش کند. اعتمادبه‌نفس او هم بیشتر شد.

همیشه گفته‌اند وقتی آموزش می‌دهید، خودتان هم بهتر مبحث را یاد می‌گیرید. می‌خواهم پرسیم این آموزش دادن به دوستان چه آثاری برای خودتان داشت؟

● بله من هم معتقد هستم وقتی مبحثی را به کسی آموزش می‌دهیم، خودمان هم به‌خوبی آن مبحث را درک می‌کنیم. این درس‌داده‌ها کم‌کم تأثیرش را روی من هم گذاشت. من هم توانستم مطالب درسی را خیلی بهتر از قبل درک کنم و در مورد آن‌ها بیشتر تفکر کنم. وقتی به دوستم درس می‌دادم، باعث می‌شد روی مطالب تمرکز بیشتری کنم. ما وقتی می‌خواهیم مبحثی را برای کسی توضیح دهیم، باید آن را به‌خوبی یاد گرفته باشیم. به همین دلیل من مطالب را با دقت بیشتری می‌خواندم و همین باعث می‌شد مطالب را بهتر درک کنم.

اگر الان باز هم در طول دوران تحصیل با دوست و هم‌کلاسی‌هایی روبه‌رو باشید که مشکلی در فهم مطالب دارند، آیا همچنان به آنان کمک می‌کنید؟

● بله چون از کمک کردن به دوستانم احساس خوبی دارم و دیدن اینکه آن‌ها پیشرفت می‌کنند، برای من لذت‌بخش است. به نظر من یاددادن مطلبی به کسی دیگر، هم برای ما سود دارد، چون کاری ارزشمند و انسانی انجام داده‌ایم و

داشت. هر روز با او حداقل یک مسئله در زمینه جبر کار می‌کردم و کم‌کم این تکرار و تمرین سبب پیشرفت او شد.

روزانه یا به‌طور هفتگی چقدر زمان برای آموزش دوستان اختصاص می‌دادید؟

● روزانه تقریباً بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه را به درس دادن به دوستم اختصاص می‌دادم. البته یادم هست یک روز که امتحان داشتیم، من از آقای جوادی خواهش کردم که بعد از امتحان در مدرسه بمانم و به دوستم در درس فیزیک کمک کنم.

به‌طور کلی روی چه مباحثی از ریاضی با دوست خودتان کار می‌کردید و روش آموزشی شما برای اینکه دوستان بهتر درس را یاد بگیرد، چه روشی بود؟

● بیشتر در زمینه جبر و معادلات و محاسبات به او کمک می‌کردم. روش من این بود که اول یک مثال از یک بخش درس حل می‌کردم و سپس به او چند مثال می‌دادم و در حل کردن آن مسائل به او کمک می‌کردم. بعد چند تمرین می‌دادم تا خودش حل کند. در ادامه تمرینات را بررسی می‌کردم و اگر مشکلی بود، آن را رفع می‌کردم. آن‌قدر به تمرین کردن ادامه می‌دادیم تا آن مبحث ملکه ذهن او شود.

اگر دوستان سؤالی داشت که مثلاً شما نمی‌توانستید به آن به‌درستی جواب بدهید، چه کار می‌کردید؟

● به دبیر محترم ریاضی مراجعه می‌کردم و از ایشان کمک می‌خواستم. ایشان هم همیشه با صبر و شکیبایی جواب مرا می‌دادند و وقتی آن مشکل حل می‌شد، پیش دوستم می‌رفتم و آن را با زبانی ساده‌تر به او یاد می‌دادم.

چه مدت زمانی در بحث آموزش به دوست خودتان کمک کردید و این کار چه تأثیری روی درس و برخورد و رفتار دوستان داشت؟

● کم‌کم از کلاس هفتم شروع به درس دادن به او کردم و این کار تا زمان قبل از کرونا هم ادامه داشت. همین